

محاكمه صدام حسين و تحليل مواضع جمهوري اسلامي ايران

هاجر سپاه رستمی*

ديباچه

دستگیری صدام حسین فصل تازه‌ای را در تاریخ محاکمات کیفری بین‌المللی گشود. قرن بیستم با ثبت محاکمات کیفری چون نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا در طی یک سده به پایان رسید. اما قرن بیست و یکم تنها در چهار سال آغازین خود، نخست شاهد شکل‌گیری محکمه سیرالئون و راه‌اندازی دیوان کیفری بین‌المللی و سپس تاسیس دادگاه ویژه عراق بود! این پدیده گرچه از سویی نشان از گسترش خشونت دارد، اما بدون تردید تحول مثبتی در جهت گسترش عدالت کیفری در جهان است. محاکمه و مجازات جنایتکاران، آلام وجدان جمعی را تسکین می‌بخشد و زنگ‌های خطر را برای سایر جنایت‌پیشگان به صدا در می‌آورد. این گسترش عدالت، خود دستاورد بزرگ رشد و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری نوین است که روند آن پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد و

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل. (h17e@yahoo.com)

در دهه پایانی قرن بیستم شتاب گرفت. اینک جهان در انتظار محاکمه صدام است؛ کسی که در طول سال‌های سیاه حکومتش بر کشور عراق نه تنها بر ملت خود بلکه بر همسایگان نیز ستم بسیار روا داشت. میلیون‌ها نفر در جهان چشم به دادگاه محاکمه کننده صدام دوخته‌اند تا شاهد جاری شدن عدالت در حق او باشند. در این میان مردمان سرزمین‌های عراق، ایران و کویت که قربانیان مستقیم جنایات صدام بوده‌اند، حساسیت و توجه ویژه‌ای به موضوع دارند.

در این زمینه، موضوع محاکمه صدام و مواضع ایران از بحث‌های بسیار جدی در حوزه مسایل بین‌المللی و منافع ملی کشور است که نیازمند پژوهش‌های علمی و دقیق است. به همین منظور، این مقاله موضوع محاکمه صدام حسین و مواضع ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در آغاز امکانات و راه‌حل‌های مختلفی که برای محاکمه صدام وجود داشت مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس وضعیت موجود یعنی دادگاه ویژه عراق همراه با ابعاد مختلف آن معرفی و نقد می‌شود و پس از آن به مواضع ایران و اسناد و مدارک موجود و تحلیل موضع‌گیری کنونی ایران خواهیم پرداخت.

نخست: دادگاه صالح

نخستین امری که در مورد دادگاه محاکمه کننده صدام به ذهن خطور می‌کند این است که چه امکانات و گزینه‌های مختلفی برای محاکمه صدام وجود داشت، هر کدام از این گزینه‌ها چه ویژگی‌هایی داشتند، کدام یک در نهایت انتخاب شد و چرا؟ در این بخش از مقاله^(۱) به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم.

۱. **دیوان بین‌المللی کیفری:** به دو دلیل صدام حسین نمی‌تواند در پیشگاه این دیوان محاکمه شود. نخست اینکه دیوان تنها در مورد جرایم ارتكابی پس از یکم ژوئیه ۲۰۰۲، یعنی تاریخ لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان، صلاحیت دارد در حالی که بیشتر جنایاتی که صدام متهم به ارتكاب آنهاست قبل از این تاریخ اتفاق افتاده‌اند.

دوم اینکه دیوان تنها در صورتی می‌تواند جنایات ارتكابی توسط صدام در عراق را

محاكمه كند كه دولت عراق به اين امر رضاييت بدهد يا موضوع از طرف شوراي امنيت و در عمل به فصل هفت منشور به ديوان ارجاع شود. در رژيم رضاييت دولت در اساسنامه ديوان بين‌المللي كيفري كه در صورت عدم ارجاع از سوي شوراي امنيت بايد وجود داشته باشد، رضاييت قبلي بايد توسط دولت محل ارتكاب جرم (دولت سرزميني) يادولت متبوع خواهان ابراز شود. در مورد جنايات ارتكابي توسط صدام، هم دولت عراق دولت سرزميني است و هم دولت متبوع خواهان. دولت‌ها مي‌توانند با الحاق به اساسنامه ديوان بين‌المللي كيفري يا با صدور اعلاميه خاص در مورد موضوعي مشخص صلاحيت ديوان بين‌المللي كيفري را بپذيرند. دولت عراق اساسنامه ديوان را نپذيرفته و با توجه به مخالفت ايالات متحده با ديوان بين‌المللي كيفري، رضاييت موردی عراق به اساسنامه ديوان نيز هم‌اکنون كه ايالات متحده، عراق را در اشغال دارد، صورت نمي‌پذيرد. به علاوه با توجه به اينكه اغلب مردم عراق تمايل به محاكمه صدام در دادگاه داخلي دارند، حتي در صورت برطرف شدن ساير موانع، رضاييت عراق به صلاحيت ديوان بين‌المللي كيفري غير ممكن بود. بالاخره با توجه به ضديت ايالات متحده با ديوان احتمال ارجاع محاكمه صدام به ديوان از سوي شوراي امنيت هم وجود نداشت، زيرا يقيناً ايالات متحده آن را وتو مي‌كرد.

۲. **يك دادگاه بين‌المللي اختصاصي:** شوراي امنيت سازمان ملل مي‌تواند دادگاهي اختصاصي با صلاحيت رسيدگي به جنايات ارتكابي توسط رژيم بعث تاسيس كند. اما با توجه به اينكه نزديك به يك دهه از محاكمات پرهزينه و وقت گير ICTY و ICTR مي‌گذرد به نظر نمي‌رسد كه در شوراي امنيت تمايل به ايجاد محكمه اختصاصي ديگري وجود داشته باشد. ايالات متحده كه حامی اصلي اين بي‌تمايلي است معتقد است كه دادگاه‌هاي عراقي مي‌توانند و بايد هدايت محاكمه جرايم رژيم صدام را بر عهده بگيرند.

۳. **يك دادگاه مختلط:** يك راه حل انعطاف پذيرتر ايجاد يك دادگاه مختلط است. دادگاه‌هاي مختلط كه اينك در كوزوو، تيمور شرقي و سيرائون فعالند تركيبی از قوانين كيفري داخلي و بين‌المللي را داشته و قضات، دادستان‌ها و كارمندان اداري آنها هم ملي و هم بين‌المللي هستند. دادگاه‌هاي كوزوو و تيمور شرقي توسط مقامات اداري ملل متحد

ایجاد شده‌اند در حالی که دادگاه ویژه سیرالئون به موجب توافقنامه میان سازمان ملل متحد و دولت سیرالئون تاسیس شده است. مذاکراتی که منجر به انعقاد توافق نامه میان سازمان ملل متحد - سیرالئون شد به دنبال اجازه‌ای که توسط شورای امنیت صادر گردید در فری تاون پایتخت سیرالئون برگزار شد و این دادگاه کار خود را از سال ۲۰۰۲ شروع کرد. بیشتر قضات و دادستان کل و دبیر آن توسط دبیر کل سازمان ملل منصوب شدند.

سازمان ملل همچنین مشارکت در یک دادگاه مختلط در کامبوج را پذیرفته است. در حالی که دادگاه ویژه سیرالئون سیستمی خارج از دادگاه‌های عادی سیرالئون دارد، شعب فوق العاده دادگاه‌های کامبوج بخشی از سیستم قضایی کامبوج را تشکیل می‌دهند و بنا به درخواست دولت کامبوج اغلب قضات و کارمندان عالی رتبه شعب فوق العاده از اتباع کامبوج خواهند بود. برای تامین نظر سازمان ملل در مورد بی‌طرفی قضات کامبوجی، هر حکم صادره باید به تایید اکثریت قضات برسد.

توجه به مدل‌های مختلف دادگاه سیرالئون و دادگاه پیشنهادی کامبوج نشان می‌دهد که دادگاه مختلط شکل واحدی ندارد. شکل هر یک از این دادگاه‌ها متناسب با مقتضیات کشور یا منطقه‌ای که در آن فعالیت می‌کند طراحی شده است.

بسیاری از افراد غیر عراقی از ایجاد یک دادگاه مختلط طرفداری می‌کنند. اما شورای حکومتی عراق که مایل به اجرای مجازات اعدام است و با ایجاد دادگاه مختلطی که تحت حمایت سازمان ملل فعالیت کند، مخالف است. نه سازمان ملل و نه بیشتر متحدان اروپایی ایالات متحده در دادگاهی که بتواند حکم اعدام صادر کند شرکت نخواهند کرد.

مدل دیگری از دادگاه مختلط که برخی از عراقی‌ها و حقوق‌دانان دیگر به آن تمایل دارند یک دادگاه ویژه عراقی است که صلاحیت رسیدگی به جنایات مندرج در حقوق بین‌الملل را دارد و در آن قضاتی از دیگر دولت‌های عرب در کنار قضات عراقی حضور دارند.

۴. **محاكمه داخلی:** گزینه‌ای که اعضای شورای حکومتی عراق و دولت ایالات متحده به آن تمایل دارند محاکمه صدام در پیشگاه دادگاه‌های عراقی تجدید ساختار شده‌ای است

که از قضات طرفدار صدام حسین خالی باشد. از جمله گزینه‌ها «دادگاه ویژه عراقی» است که اساسنامه آن در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۲۰۰۳ به تصویب شورای حکومتی عراق رسیده است. طبق اساسنامه این دادگاه برای رسیدگی به جنایات افراد تبعه و مقیم عراق که متهم به ارتکاب جنایات خاصی در فاصله ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۸ تا ۱ مه ۲۰۰۳ هستند صلاحیت دارد. طبق اساسنامه صلاحیت موضوعی دادگاه ویژه عراق مشتمل بر ترکیبی از جنایات داخلی و بین‌المللی است. منظور از جنایات بین‌المللی جنایت ژنوسید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است و منظور از جنایات داخلی جرایم ذیل طبق قانون کیفری عراق است:

الف) برای کسانی که خارج از نظام قضایی هستند، تلاش برای مخدوش کردن کار قضایی یا مداخله در عملکرد دستگاه قضایی در نقض قانون اساسی ۱۹۷۰ اصلاحی عراق؛
ب) اتلاف منابع ملی و هدر دادن اموال و درآمدهای عمومی به موجب بند ۲ ماده ۷ قانون ۱۹۵۸؛ و

ج) سوء استفاده از موقعیت و تعقیب سیاست‌هایی که می‌توانند منجر به تهدید، جنگ یا استفاده از نیروهای مسلح عراق علیه یک کشور عرب مطابق با ماده ۱ قانون ۷ نوامبر ۱۹۵۸ شود.

اساسنامه دادگاه عراق مصوب ۱۰ دسامبر سال ۲۰۰۳ مقررات محدودی برای مشارکت بین‌المللی وضع کرده است. ماده ۲۸ اساسنامه مقرر می‌دارد: «قضات، قضات تحقیق، دادستان‌ها و مدیر بخش اداری از اتباع عراق خواهند بود.» اما ماده ۴ در اذعان به اهمیت مشارکت بین‌المللی مقرر داشته است که «شورای حکام در صورتی که لازم بدانند می‌توانند قضاتی غیر عراقی را که در مورد جنایات مندرج در این اساسنامه تجربه داشته باشند و از اشخاص دارای شخصیت عالی اخلاقی، بی‌طرفی و بی‌غرضی باشند منصوب نماید.» در مقررات دیگری در مورد انتصاب افراد غیر عراقی به عنوان مشاور یا ناظر سخن گفته شده است.

برخی از نظریه پردازان این نگرانی را مطرح کرده‌اند که آیا شورای حکام عراق که

اعضای آن توسط شورای ائتلاف موقت منصوب شده‌اند قانوناً می‌تواند چنین دادگاهی ایجاد کند یا نه. نگرانی این افراد ناشی از مقررات کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ است که تغییرات مجاز در قانون جزایی سرزمین اشغالی را فقط به دولت اشغالگر محدود می‌کند.

کنوانسیون سوم ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی هم می‌تواند در چگونگی محاکمه صدام حسین که توسط ایالات متحده به اسارت گرفته شده کاربرد داشته باشد. صدام حسین هم مانند بقیه سران دولت عراق، که کنترل نیروهای مسلح رژیم سرنگون شده را در دست داشته‌اند، مستحق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی است.

دوم: اساسنامه دادگاه ویژه عراق^(۲)

۱. قلمرو صلاحیت شخصی و زمانی

این دادگاه در مورد هر فرد تبعه یا ساکن عراق که متهم به ارتکاب جرایم مندرج در مواد ۱۱ تا ۱۴ این اساسنامه از ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ تا ۱ مه ۲۰۰۳، در سرزمین عراق یا هر جای دیگر و از جمله جنایات ارتكابی در جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت باشند، صلاحیت دارد. این صلاحیت شامل جرایم مندرج در مواد ۱۲ و ۱۳ که علیه مردم عراق (شامل اعراب، کردها، ترکمن‌ها و دیگر گروه‌های نژادی و نیز شیعیان و سنی‌ها) چه در طی درگیری مسلحانه یا غیر آن انجام شده باشند نیز می‌شود. صلاحیت دادگاه فقط بر افراد حقیقی اعمال می‌شود.

۲. قلمرو صلاحیت موضوعی

دادگاه ویژه عراق طبق ماده ۱۰ اساسنامه آن برای رسیدگی به جنایات ژنوسید، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و موارد نقض قوانین ویژه عراق مندرج در ماده ۱۴ اساسنامه صلاحیت دارند. مواد ۱۱ تا ۱۴ اساسنامه به ترتیب به تعریف جنایات ژنوسید، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و موارد نقض قوانین عراق می‌پردازند. مواد ۱۱ تا ۱۳ کاملاً از

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اقتباس شده‌اند و لذا تعاریف مذکور در آنها منطبق با تعاریف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. بر این اساس ماده ۱۱ به جرم نسل‌کشی اختصاص یافته است. قسمت الف این ماده کاملاً مقتبس از اساسنامه رم بوده و در آن آمده است که از نظر این اساسنامه و طبق کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ که در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۵۹ به تصویب دولت عراق هم رسیده است، نسل‌کشی به معنای هر یک از اعمال ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد:

۱. قتل اعضای یک گروه؛
 ۲. ایراد صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛
 ۳. قراردادن عمدی یک گروه در معرض اوضاع نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود؛
 ۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد؛
 ۵. انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.
- در قسمت ب این ماده، که نسبت به اساسنامه رم جدید است، آمده است که اعمال ذیل قابل مجازات هستند:

۱. نسل‌کشی؛
۲. طرح نقشه برای ارتکاب نسل‌کشی؛
۳. تحریک مستقیم و عمومی برای ارتکاب نسل‌کشی؛
۴. تلاش برای ارتکاب نسل‌کشی؛ و
۵. مشارکت در نسل‌کشی.

ماده ۱۲ عنوان جنایات علیه بشریت را بر خود دارد. قسمت الف ماده ۱۲ در تعریف جنایت علیه بشریت می‌گوید: جنایت علیه بشریت هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد:

۱. قتل؛
 ۲. ریشه کن کردن؛
 ۳. به بردگی گرفتن؛
 ۴. تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛
 ۵. حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود؛
 ۶. شکنجه؛
 ۷. تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی مشابه؛
 ۸. تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخص به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر، در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیر مجاز شناخته شده است؛
 ۹. ناپدید کردن اجباری اشخاص؛
 ۱۰. اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.
- قسمت ب به تعریف جنایات معرفی شده در قسمت الف به صورت ذیل می‌پردازد:
۱. حمله گسترده و سازمان یافته علیه هر جمعیت غیر نظامی، رفتاری است مشتمل بر ارتکاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند ۱ علیه هر جمعیت غیر نظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد؛
 ۲. ریشه‌کن کردن شامل تحمیل غیر عمدی وضعیت خاصی از زندگی از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و داروست که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود؛
 ۳. به بردگی گرفتن، یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل

- است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان؛
۴. تبعید یا کوچ اجباری یعنی جا به جا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهرآمیز از منطقه‌ای که قانوناً در آنجا حضور دارند بدون مجوزی بر پایه حقوق بین‌الملل؛
۵. شکنجه یعنی تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که در توقیف یا تحت کنترل متهم است؛ جزاینکه شکنجه شامل درد یا رنجی نیست که تنها از اجرای مجازات ناشی می‌شود؛
۶. تعقیب و آزار مداوم یعنی محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین‌الملل به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه؛
۷. ناپدید کردن اجباری اشخاص یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی و یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنها به قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی.
- تنها تفاوت ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه ویژه عراق با ماده ۷ اساسنامه رم این است که اساسنامه دادگاه عراق به جنایت تبعیض نژادی اشاره‌ای نمی‌کند، و دیگر اینکه معلوم نیست چرا به رغم اینکه در قسمت الف ماده ۱۲ به مصادیق جنسی جنایات علیه بشریت اشاره کرده در قسمت ب از تعریف و تشریح آنها اجتناب کرده است.
- ماده ۱۳ تحت عنوان جنایات جنگی آمده است. این ماده نیز تا حدود زیادی برگرفته از ماده ۸ اساسنامه رم است و از چهار قسمت تشکیل شده است:
- قسمت «الف» موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت این کنوانسیون‌ها را جرم می‌داند:
۱. کشتار عمدی؛
 ۲. شکنجه یا رفتار غیر انسانی از جمله آزمایش‌های زیست‌شناختی؛
 ۳. فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛

۴. تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به صورت غیر قانونی و خود سرانه اجرا شده است؛
۵. محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛
۶. اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛
۷. حبس غیر قانونی؛
۸. تبعید یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی؛
۹. گروگان‌گیری.

در قسمت الف، تنها بند ۷ که به حبس غیر قانونی اشاره دارد اضافه بر بند الف ماده ۸ اساسنامه رم است.

قسمت «ب» دیگر موارد نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی را در ۲۶ مورد بر می‌شمرد. این موارد نیز عیناً مشابه بند ب ماده ۸ اساسنامه رم است، جز اینکه بند ۴ اساسنامه دادگاه عراق که به عدم رعایت اصل تناسب نظامی اشاره می‌کند در اساسنامه رم نیست و دیگر اینکه بند ۲۰ اساسنامه رم، که موضوع آن به کاربردن سلاح‌ها و پرتابه‌های ایجاد کننده رنج زاید و آثار کورکورانه است، حذف شده است.

قسمت «ج» اساسنامه دادگاه عراق، ارتکاب اعمال ذیل را علیه اشخاصی که در درگیری‌ها شرکت نکرده و رزمندگانی که درگیری را ترک کرده و اسلحه بر زمین گذاشته‌اند جرم می‌داند:

۱. خشونت علیه حیات یا شخص به ویژه قتل به همه اشکال آن، قطع عضو، رفتار ظالمانه و شکنجه؛
۲. توهین به حیثیت افراد بخصوص رفتارهای غیر انسانی و خفت‌بار؛
۳. گروگان‌گیری؛

۴. صدور حکم و اجرای مجازات اعدام بدون حکم قبلی که توسط دادگاهی که منظمأً تشکیل می‌شود و دارای تضمینات ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، صادر شده‌اند. قسمت ج، در اساسنامه دادگاه رم موجود نیست و اساساً وجود آن ضرورتی هم ندارد. زیرا با وجود بندهای مختلف قسمت الف و بخصوص بندهای ۱ و ۷ قسمت ب دیگر ضرورتی به تکرار این موارد نبوده است. قسمت «د» به موارد نقض قوانین و عرف‌های حاکم بر درگیری‌های مسلحانه داخلی در ۱۲ مورد اشاره می‌کند که برگرفته از بند د اساسنامه رم است.

۳. سازمان

دادگاه ویژه عراق دارای بخش‌های ذیل است:

- ۱- شعب رسیدگی ۲- شعبه تجدید نظر ۳- مشاوران و کارشناسان ۴- قضات تحقیق
- ۵- اداره دادستانی و ۶- امور اداری

شعب رسیدگی و تجدید نظر: دادگاه ویژه عراق می‌تواند چند شعبه رسیدگی داشته باشد. هر شعبه رسیدگی دارای پنج قاضی است. این دادگاه همچنین یک شعبه تجدید نظر دارد که از ۹ قاضی تشکیل می‌شود و ریاست آن بر عهده رییس دادگاه است. اساسنامه مقرر می‌دارد که قضات این دادگاه باید اشخاصی دارای صلاحیت عالی اخلاقی و بی‌طرفی بوده و صلاحیت انتصاب به عالی‌ترین مقامات قضایی را داشته باشند. قضات، دادستان‌ها و مدیر بخش اجرایی از اتباع عراق خواهند بود اما در صورت صلاحدید شورای حکومتی انتصاب قضات غیر عراقی هم که تجربه لازم در رسیدگی به جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و جنایات جنگی را داشته باشند ممکن است. قضات توسط شورای حکومتی عراق منصوب می‌شوند و هیچ‌یک از اعضای حزب بعث نمی‌توانند به سمت قاضی در این دادگاه منصوب شوند.

قضات تحقیق: در این دیوان سیستمی از قضات تحقیق پیش‌بینی شده است. حداکثر بیست قاضی تحقیق توسط شورای حکومتی منصوب می‌شوند و هر یک از آنها مستقلاً به

همراه یک تیم برای تحقیق از افراد و جمع آوری مدارک اقدام می‌کنند.

مشاوران و کارشناسان: در این دادگاه شماری از مشاوران و کارشناسان عراقی و غیر عراقی انتخاب خواهند شد تا در مورد موضوعات مرتبط حقوق بین‌الملل به قضات دادگاه کمک کرده و همچنین بر عادلانه بودن روند قضاوت نظارت کنند. دادگاه برای یافتن این گونه کارشناسان می‌تواند از جامعه بین‌المللی و از سازمان ملل متحد درخواست کمک کند.

اداره دادستانی: اداره دادستانی مسئول تعقیب افراد متهم به ارتکاب جنایات داخل در صلاحیت دادگاه است. این اداره از یک دادستان کل و حداکثر بیست دادستان تشکیل می‌شود که توسط شورای حکومتی منصوب می‌شوند.

اداره امور اداری و اجرایی: متشکل از یک مدیر و تعدادی کارمند خواهد بود. این اداره مسئول انجام امور اداری و خدمت رسانی به دادگاه و دادستانی است.

۴. آیین دادرسی

زبان رسمی دادگاه عربی است و هزینه‌های آن در بودجه عادی دولت گنجانده می‌شود. در خصوص نحوه تحقیق و تنظیم کیفرخواست ماده ۱۸ می‌گوید که قضات تحقیق بر اساس اطلاعات دریافتی از مراجع مختلف به ویژه پلیس، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی تحقیقات خود را آغاز خواهند کرد. قضات تحقیق اطلاعات دریافتی را ارزیابی کرده و در مورد درستی و نادرستی آن تحقیق خواهند کرد. این قضات حق دارند از مظنونین، قربانیان و شهود سؤال کرده و مدرک جمع آوری کنند. هرگاه که قضات تحقیق به این نتیجه برسند که مسئله علی الظاهر صحیح است، کیفرخواستی را با استناد به حقایق تنظیم خواهند کرد. اگر رئیس قضات تحقیق دادگاه هم متقاعد شود که قضیه علی الظاهر صحیح است و صحت آن توسط قضات تحقیق احراز شده است، کیفرخواست را تایید خواهد کرد. پس از تایید کیفرخواست، قضات تحقیق مجوزها و دستورات لازم را برای دستگیری، بازداشت، تسلیم یا انتقال اشخاص و هرگونه اقدام دیگر صادر خواهند کرد.

همچنین برخی **تضمینات رسیدگی عادلانه** در این دادگاه پیش‌بینی شده که عبارتند از:

۱. اصل برائت؛
۲. حق رسیدگی علنی؛
۳. استماع عادلانه و بی‌طرفانه دعوی؛
۴. حق داشتن وکیل به انتخاب خود و حق دریافت کمک حقوقی اگر که شخصی توانایی پرداخت حق الزحمه وکیل را نداشته باشد؛
۵. در اختیار داشتن وقت کافی و امکانات مناسب برای آماده کردن دفاع و برقراری ارتباط با وکیل؛
۶. محاکمه بدون تاخیر موجه؛
۷. توانایی اعتراض به مدارک ارایه شده از جمله حق دفاع و سؤال از شهود.

۵. مجازات‌ها

بر اساس ماده ۲۴ اساسنامه، مجازات‌هایی که این محکمه می‌تواند حکم به اجرای آنها بکند، مجازات‌هایی هستند که در قانون عراق به ویژه قانون جزای مصوب ۱۱ نوامبر ۱۹۶۹ عراق مجاز شمرده شده‌اند. طبق بند D این ماده با شخصی که متهم به ارتکاب جرایمی از نوع قتل یا تجاوز به عنف طبق قانون عراق یا جرایم وابسته به قتل یا تجاوز باشد مانند متهمین به ارتکاب همین جرم طبق قانون عراق برخورد می‌شود. بند E این ماده در مورد مجازات جرایم مندرج در مواد ۱۱ تا ۱۳ که در قانون عراق مشابهی ندارند می‌گوید که تصمیم‌گیری در این موارد توسط شعبه رسیدگی و با در نظر داشتن عواملی مانند شدت جرم، شرایط فردی متهم و رویه‌های بین‌المللی مرتبط انجام خواهد شد. دادگاه حق مصادره اموال و دارایی‌های حاصل از ارتکاب جرایم مذکور را دارد. دادگاه ویژه بر کلیه محاکم عراق برتری دارد و می‌تواند از آنها بخواهد هرگونه قضیه مربوط به جرایم مندرج در مواد ۱۱ تا ۱۳ را به این دادگاه بفرستند.

۶. نقد و ارزیابی اساسنامه

دادگاه ویژه عراق امکان همکاری قضات و دادستان‌های عراقی و بین‌المللی با یکدیگر در رسیدگی به پرونده‌ها را فراهم نمی‌کند. در حقیقت قضات و دادستان‌ها باید عراقی باشند و انتصاب افراد غیرعراقی تنها در صورت صلاحدید شورای حکومتی عراق ممکن است. هرچند اساسنامه دادگاه ویژه عراق امکان انتصاب مشاوران و ناظران بین‌المللی را پیش‌بینی کرده است، اما این مسئله قابل مقایسه با انتصاب قضات و دادستان‌های بین‌المللی با تجربه، برای همکاری با قضات عراقی نیست. جریان محاکمه پیش‌بینی شده در اساسنامه دادگاه هم مشکلات چندی را در بر دارد. در مورد اثبات اتهام، نیازی به ارائه دلیلی فراتر از شک معقول و منطقی وجود ندارد و مجازات اعدام هم مجاز شمرده شده است. طبق اساسنامه امکان اجرای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۷۱ عراق وجود دارد و این قانون به دادگاه اجازه استفاده از فشار جسمی برای کسب اقرار و همچنین اجازه محاکمه غیر علنی را می‌دهد.

شورای حکومتی عراق، اساسنامه این دادگاه را بدون هیچ‌گونه فرصتی برای مشورت‌های گسترده یا اظهار نظر عمومی تصویب کرد. در حالی که تهیه پیش‌نویس اساسنامه باید روشن و بی‌شبهه می‌بود تا وجود یک جریان معتبر و قابل توجیه را تضمین کند. حقوقدانان و متخصصان عراقی باید با هم همکاری کرده و مناسب‌ترین شکل محکمه برای محاکمه شدیدترین جنایات سابق انجام شده در عراق را پیشنهاد می‌کردند. بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری توصیه می‌کردند که شورای حکومتی عراق با همکاری سازمان ملل متحد یک گروه مختلط از کارشناسان عراقی و بین‌المللی را جهت انجام بررسی‌های لازم به کارگیرد و یک محکمه مختلط داخلی^۲ بین‌المللی ایجاد کند. گروه کارشناسان به حقوقدانان عراقی اجازه استفاده از تجارب موجود بین‌المللی برای ایجاد محکمه مختلطی که عادلانه و موثر عمل کند را می‌داد. زیرا هر محکمه‌ای که صدام و دیگر متهمان عراق را محاکمه کند باید تجربه لازم برای محاکمه این‌گونه جنایات بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را داشته باشد. البته در چنین

دادگاهی عراقی‌ها باید مشارکت داشته و برای مردم عادی عراق قابل دسترسی باشد. به علاوه بسیار مطلوب بود اگر که اساسنامه دادگاه عراق به گونه‌ای تنظیم می‌شد که شورای امنیت آن را تنفیذ می‌کرد. زیرا در این صورت شورای امنیت می‌توانست از دیگر کشورها تقاضا کند با این دادگاه به ویژه در جهت دستگیری و بازداشت متهمانی که در دیگر کشورها به سر می‌برند، همکاری کنند.^(۳)

سوم: مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به محاکمه صدام

۱. عملکرد دادگاه ویژه عراق

نخستین جلسه محاکمه صدام حسین روز یکم ژوئیه سال ۲۰۰۴ برگزار شد. در این جلسه ۳۰ دقیقه‌ای، هفت اتهام اصلی صدام که تاکنون علیه وی اقامه شده به شرح ذیل برای او قرائت گردید:

۱. کشتار چهره‌های مذهبی در سال ۱۹۷۴؛
۲. بمباران شیمیایی کردهای حلبچه در سال ۱۹۸۸؛
۳. کشتار کردهای بارزانی در سال ۱۹۸۳؛
۴. قتل اعضای گروه‌های سیاسی در طی ۳۰ سال؛
۵. نبرد موسوم به «انفال» در طی سال‌های ۸۸-۱۹۶۸ و آواره کردن کردها؛
۶. سرکوب جنبش شیعیان و کردها پس از جنگ یکم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱؛
۷. تجاوز به کویت در سال ۱۹۹۰.^(۴)

این موارد گرچه قسمت عمده اتهامات صدام را در بردارند اما متأسفانه در آنها به موضوع تجاوز عراق به ایران و تحمیل یک جنگ هشت ساله به این کشور و همچنین جنایات ارتكابی در طول این جنگ هیچ اشاره‌ای نشده است. سه روز پس از این جلسه، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد «ایران فهرستی از اتهامات صدام در مورد جنایات انجام شده در جنگ ایران و عراق را تهیه کرده است. از مهم‌ترین این اتهامات حمله ۱۹۸۰ عراق به ایران و استفاده از سلاح‌های شیمیایی در این جنگ

است. وی همچنین اعتراض ایران را نسبت به عدم درج جنایات انجام شده علیه ایران در فهرست اتهامات صدام اعلام کرد.^(۵) در روز ۱۱ ژوئیه، سالم چلبی رییس سابق دادگاه ویژه عراق در مصاحبه‌ای با روزنامه الحیات، اعلام کرد که در طی ۱۰ روز آینده برای آگاهی یافتن از اتهامات ایران علیه صدام راهی ایران خواهد شد. وی در مورد علت عدم اشاره به جنایات‌های ارتكابی صدام علیه ایران گفت که صلاحیت دادگاه صدام شامل همه جنایتهایی است که از سال ۱۹۶۳ انجام شده است و تاکید کرد که ایران تا کنون هیچ‌گونه پرونده‌ای درباره اتهامات صدام به ما ارایه نداده است و به همین دلیل این موضوع در اتهامات نخستین جلسه دادگاه صدام قید نشد.^(۶)

به رغم این گزارش سالم چلبی هرگز به ایران وارد نشد. در حقیقت در ماه سپتامبر او از مقام ریاست دادگاه صدام خلع شد و در مصاحبه‌ای که روز ۲۱ سپتامبر با روزنامه الحیات داشت در توضیح علت عدم سفر به ایران گفت که دولت موقت عراق او را از انجام این سفر منع کرده و در این مورد به او هشدار داده است. او حتی یکی از دلایل برکناری خود از ریاست دادگاه صدام را همین مسئله توجه به ادعای ایران دانست.^(۷)

۲. عملکرد جمهوری اسلامی ایران

در همین زمان مسئله تنظیم یک شکواییه برای ارایه آن به دادگاه صدام در ایران مورد توجه قرار داشت. بنابر تصمیم قوه قضاییه مقرر شد که دادستانی کل کشور مسئولیت تنظیم این شکواییه را بر عهده بگیرد. دادستانی کل کشور برای این منظور با دعوت از کلیه سازمان‌های دولتی و غیر دولتی ذیربط کمیته ویژه‌ای تشکیل داد که به جمع‌آوری مدارک و تنظیم شکواییه پرداخت. این کمیته چند جلسه برگزار کرد اما به کار خود ادامه نداد. پیش از این نیز وزارت امور خارجه به جمع‌آوری مدارک و تنظیم یک ادعا نامه اقدام کرده بود. متأسفانه در تماسی که نگارنده در این خصوص با اداره حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه به عمل آورد اعلام شد که این اطلاعات فعلاً جنبه محرمانه دارند و بنابراین قابل انتشار نیستند. به این ترتیب در این جا امکان استناد به اسناد مذکور وجود ندارد. بنابراین،

تنها مدارکی که در این مقاله می‌تواند مورد استناد و ارجاع قرار گیرد اسنادی است که در هنگام جنگ عراق - ایران، از سوی سازمان ملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صادر شده‌اند و می‌توانند دلیلی بر محکومیت صدام باشند. با استناد به این اسناد که در پایان این مبحث درج خواهند شد، و با توجه به اساسنامه دادگاه ویژه عراق می‌توان گفت که جنایات صدام علیه ایران از نوع جنایات مندرج در ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه ویژه عراق، یعنی از نوع جنایات جنگی هستند. به این ترتیب هم موارد مندرج در قسمت A ماده ۱۳ تحت عنوان موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (از جمله ارتکاب قتل، شکنجه و رفتار غیر انسانی با افراد مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو، تخریب و مصادره گسترده اموال که به صورت خودسرانه انجام شده باشد)؛ و هم برخی موارد مندرج در قسمت B ماده ۱۳ که موارد نقض قوانین و عرف‌های قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی را بر می‌شمرد می‌تواند علیه صدام قابل استناد باشند:

- ۱- هدایت عمدی حملات علیه جمعیت غیر نظامی یا افراد غیر نظامی که مشارکتی در درگیری‌ها ندارند؛
- ۲- هدایت عمدی حملات علیه اهداف غیرنظامی یعنی اهدافی که ماهیت نظامی ندارند؛
- ۶- حملات یا بمباران شهرها، روستاها، تاسیسات یا ساختمانهایی که بی‌دفاع بوده و جزو اهداف نظامی نیستند؛
- ۱۴- تخریب یا تصرف اموال دشمن، مگر اینکه چنین تخریب یا تصرفی به خاطر ضرورت‌های جنگ لازم باشد؛
- ۱۷- غارت شهر یا مکانی حتی اگر با زور تصرف شده باشد؛
- ۱۹- استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه.

تمامی بندهای فوق نسبت به جنایات ارتكابی توسط صدام علیه ایران مصداق دارد. برای نمونه، حمله، بمباران و تخریب بسیاری از شهرهای ایران بخصوص شهرهای واقع

در مرز ایران و عراق که بعضاً به حد ویرانی کامل رسیده‌اند و همچنین به اسارت گرفتن و در بند کردن غیر نظامیان، غارت و تخریب و تصرف گسترده اموال غیر نظامی، شکنجه و رفتار غیر انسانی با اسرا و مهم تر از همه استفاده از بمب‌های شیمیایی مواردی هستند که در حد گسترده از سوی ایران در دادگاه ویژه قابل بحث هستند.

اما در مورد اصل تجاوز عراق به خاک ایران و مسئولیت صدام در این رابطه باید گفت که طرح چنین ادعایی در دادگاه ویژه عراق ممکن نیست. زیرا جنایت تجاوز جزو موارد داخل در صلاحیت دادگاه ویژه عراق نیست و اگر دولت ایران بخواهد ادعایی در مورد تجاوز عراق به ایران مطرح کند باید از طریق محکمه صالح دیگری اقدام کند. البته در مورد تجاوز عراق به کویت، مسئله متفاوت است. زیرا طبق ماده ۱ قانون اساسی مصوب ۱۹۵۸ عراق، تعقیب سیاست‌هایی که می‌توانند منجر به جنگ یا استفاده از نیروهای مسلح عراق علیه یک کشور عرب شود جرم است و اساسنامه دادگاه ویژه عراق هم نقض این قانون را جرم می‌داند.

نکته نهایی در مورد مرجع صالح برای ارایه شکواییه به دادگاه ویژه عراق است. در مورد اینکه آیا شکایت به دادگاه ویژه عراق باید توسط و به نام دولت جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد یا قربانیان جنایات صدام خود باید به دادگاه صدام شکایت کنند باید گفت که شکایت مستقیم دولت ایران به دادگاه ویژه عراق با شان حاکمیتی دولت منافات دارد. زیرا دادگاه‌های داخلی ایران بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی، خود صلاحیت رسیدگی به شکایات راجع به جنایات‌های صدام و سران رژیم بعث را که در ایران انجام شده دارند و بنابراین ارایه شکواییه از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران به یک دادگاه داخلی عراق در حقیقت نفی صلاحیت دادگاه‌های داخلی است. اما هیچ محدودیتی برای شکایت سازمان‌های غیر حکومتی و یا قربانیان جنایات وجود ندارد و بخصوص سازمان‌های غیر حکومتی می‌توانند هدایت قربانیان را برای شکایت به دادگاه صدام به دست گیرند.

۳. برخی اسناد و مدارک بین‌المللی راجع به جنگ عراق و ایران

1- ICRC memorandum of May 7, 1983

یادداشت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در رابطه با جنگ میان جمهوری اسلامی ایران و عراق

در این یادداشت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اشاره کرده است که از آغاز جنگ میان عراق و ایران به رغم تأکیدات و تذکرات مکرر این کمیته به هر دو طرف، دولت عراق مکرراً تعهداتی را که به موجب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ بر عهده داشته نقض کرده است. بنابراین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با صدور این یادداشت، این تخلفات را به همه دولت‌ها گزارش می‌دهد و از آنها می‌خواهد به تعهداتی که در جهت «اجرا و تضمین اجرای کنوانسیون‌های ژنو» بر عهده دارند عمل کنند. در این سند موارد ذیل درج شده است:

۱. در مورد اسرای جنگی آمده است که اسرا در محل‌های نامعلوم نگهداری می‌شوند و در بسیاری موارد اجازه ملاقات با آنها به صلیب سرخ داده نمی‌شود. همچنین آنها مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند و این سوء رفتارها در مواردی منجر به مرگ یا مجروح و بیمار شدن اسراء شده است.

۲. در مورد غیر نظامیان هم آمده است که تعداد زیادی از غیر نظامیان ایرانی که در نقاط مرزی خوزستان و کردستان توسط عراقیان دستگیر شده‌اند مورد سوء رفتار واقع شده‌اند. همچنین بیش از هزار نفر از آنها از جمله زنان و سالخوردگان در اردوگاه‌های عراقی نگهداری می‌شوند و به طور غیر قانونی از آزادی شان محروم شده‌اند.

2- ICRC memorandum of February 10, 1984

تذکاریه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در رابطه با جنگ میان جمهوری اسلامی ایران و عراق

در این سند هم صلیب سرخ اعلام می‌کند که به رغم تذکرفوق به دولت‌های ایران و عراق، هنوز و همچنان حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط عراق (و ایران) نقض می‌شود و لذا این موارد را جهت آگاهی دولت‌ها اعلام می‌کند.

۱. در مورد اسرای جنگی، صلیب سرخ همچنان اعلام کرده است که برخی اسرای جنگی در اردوگاه‌هایی نگهداری می‌شوند که اجازه بازدید از آنها به صلیب سرخ داده نمی‌شود.

۲. همچنین تعداد هزاران نفر غیر نظامی به طور غیر قانونی در اردوگاه‌های اسرای جنگی نگهداری می‌شوند و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از عراق می‌خواهد که سریعاً آنها را آزاد کند.

۳. عراق مرتباً با نادیده گرفتن اصل تفکیک به مناطق غیر نظامی حمله می‌کند و اشخاص و اموال غیر نظامی را هدف حمله قرار می‌دهد. این بمباران‌ها تا کنون موجب کشته و زخمی شدن بسیاری از غیر نظامیان و تخریب بسیار زیاد اموال غیر نظامی شده است.

3- UN Doc.S/15834, June 20, 1983

گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد مناطقی از ایران و عراق که در جریان حملات نظامی تخریب شده‌اند

در پی درخواست نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و عراق در سازمان ملل، دبیر کل وقت سازمان ملل هیاتی را برای بازدید از مناطق ایرانی و عراقی تخریب شده در جریان جنگ عراق و ایران اعزام کرد. این هیات از ۲۱ تا ۲۶ مه ۱۹۸۳ از مناطق جنگ زده دزفول، موسیان، دهلران، آبادان، خرمشهر و بانه بازدید کرد و اعلام کرد که این مناطق به شدت تخریب شده‌اند.

4- Security Council Resolution 540, October 31, 1983

قطعه‌نامه شماره ۵۴۰ شورای امنیت

به دنبال گزارش ۲۰ ژوئن ۱۹۸۳ دبیر کل، شورای امنیت سازمان ملل قطعه‌نامه شماره ۵۴۰ را صادر کرد و از هر دو دولت ایران و عراق خواست به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله حمله به مناطق غیر نظامی خودداری کنند.

5- ICRC Solemnly Appeals, February 13, 1984

درخواست رسمی صلیب سرخ از دولت‌های ایران و عراق

در این سند، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از دولت عراق (و همچنین ایران) می‌خواهد حمله و بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی را که نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، متوقف کنند.

6- Security Council Resolution 598, July 20, 1987

قطعه‌نامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت

در این قطعه‌نامه که موضوع آن آتش بس بین ایران و عراق است، از طرفین می‌خواهد طبق تعهداتی که به موجب کنوانسیون سوم ژنو دارند، سریعاً و بدون تاخیر پس از انعقاد قرارداد آتش بس اسرای جنگی را به کشور خود برگردانند. همچنین از دبیرکل سازمان ملل می‌خواهد هیات بی‌طرفی را برای تعیین متجاوز و مسئول جنگ معین کند.

7- Security Council Resolution 620, August 26, 1988

قطعه‌نامه شماره ۶۲۰ در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی

به دنبال گزارش هیات اعزامی دبیرکل سازمان ملل برای تحقیق در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، استفاده از این سلاح‌ها توسط عراق را که در نقض پروتکل ممنوعیت استفاده از سلاح‌های خفه کننده، سمی یا دیگر گازها و روش‌های باکتریولوژیک در جنگ مصوب ۱۹۵۲ می‌باشد محکوم می‌کند.

اعلامیه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

در این سند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق در منطقه سلیمانیه را که منجر به مرگ تعداد بسیار زیادی از ایرانیان شده محکوم می‌کند و اعلام می‌کند که استفاده از سلاح‌های شیمیایی بر طبق حقوق بین‌الملل اکیداً ممنوع است. صلیب سرخ همچنین آمادگی خود را برای ارائه کمک‌های اضطراری به قربانیان ایرانی سلاح‌های شیمیایی اعلام می‌کند.

نتیجه‌گیری

دادگاه ویژه عراق با همه ایرادات و انتقاداتی که بر اصل صلاحیت و همچنین مواد مندرج در اساسنامه آن وارد است تاسیس شده و کار خود را آغاز کرده است. البته برای کاستن از همین انتقادات بود که مقرر شد ادامه کار دادگاه ویژه عراق و آغاز محاکمه صدام پس از برگزاری انتخابات در عراق صورت گیرد. این تصمیم می‌تواند تا حدودی از شائبه غیر قانونی بودن و عدم صلاحیت این محکمه کم کند.

اما در کنار همه این انتقادات به هر حال دادگاه ویژه عراق تنها دادگاهی است که برای محاکمه صدام و برخی سران حزب بعث تشکیل می‌شود و این فرصت هرگز تکرار نخواهد شد. بنابراین هرچند که در این دادگاه فقط مسئولیت کیفری متهمان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و طبعاً بحث غرامت و ضرر و زیان در آن مطرح نیست. اما اهمیت این دادگاه هرگز نباید نادیده گرفته شود و باید فرصتی فراهم گردد تا قربانیان ایرانی جنایات صدام امکان طرح دعوی علیه وی را بیابند. این فرصت می‌تواند از طریق همکاری سازمان‌های غیر حکومتی فراهم شود و بدین وسیله به قربانیان جنایات صدام خدمات لازم برای ارائه شکایت داده شود. بدون تردید دادگاه ویژه عراق تریبون مناسبی برای فاش کردن جنایات صدام علیه ایران و سخن گفتن در مورد آنچه که در طی هشت سال جنگ تحمیلی بر این ملت رفت خواهد بود و به علاوه پرده از همکاری‌های دولت‌های دیگر با صدام در جنگ

وی علیه ایران و ارتکاب این جنایات برخوردار داشت. شاید به دلیل همین امکان است که در اتهامات تفهیم شده به صدام هیچ اشاره‌ای به جنایات و فجایعی که وی در طول مدت هشت سال جنگ تحمیلی علیه مردم ایران انجام داد نشد و حتی به نظر می‌رسد که اراده سیاسی در عراق به رسیدگی به این جنایات تعلق نگرفته است. به راستی آیا دولت‌های اروپایی که سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده صدام را در اختیار او قرار می‌دادند امروز می‌توانند مدعی پاک دستی شده و در مقام قضاوت در مورد جنایات صدام، بمباران شیمیایی ایران و حلبچه توسط وی را محکوم کنند؟

اما به رغم همه این واقعیت‌ها و با وجود آنکه احتمال بسیار قوی وجود دارد که این دادگاه عادلانه قضاوت نکند، باز هم طرح دعاوی و شکایات قربانیان جنایات رژیم بعث در دادگاه ویژه عراق ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و فریاد دادخواهی مظلومان ایرانی را به گوش جهان خواهد رساند. امید می‌رود که دولت جمهوری اسلامی ایران در فرصت باقی مانده تا آغاز محاکمه صدام امکانات و تسهیلات لازم را برای ارایه شکایت در اختیار قربانیان جنگ تحمیلی قرار دهد. ❖

پی‌نوشت‌ها:

۱. این قسمت ترجمه متنی است که با عنوان «دادگاهی برای محاکمه صدام حسین: چارچوب حقوقی» در مجله آمریکایی حقوق بین‌الملل در دسامبر ۲۰۰۳ به چاپ رسیده است:
Venues for prosecuting *Saddam Hussein: the legal framework* ~ Diana F. Orentlicher- December 2003
<http://www.asil.org/insigh124.htm>
۲. برای مشاهده متن کامل اساسنامه دادگاه ویژه عراق به سایت اینترنتی شورای ائتلاف موقت عراق به آدرس ذیل مراجعه کنید:
www.cpa-iraq.org
3. www.hrw.org/backgroundunder/mena/iraq121703.htm
4. www.news.bbc.co.uk ~ 1 July 2004
5. www.news.bbc.co.uk ~ 4 July 2004
6. ww.isna.ir/news-news_content.asp
۷. متعاقباً منابع خبری در روز ۲۲ نوامبر اعلام کردند که «جمال الشبلی» به ریاست دادگاه صدام منصوب شده است:
[www. Ima.ir/sab](http://www.Ima.ir/sab)